

## خوانش متن و ساختار بیانیه گام دوم انقلاب از منظر اسناد راهبردی در آینده‌نگاری

ایوب نیکونهاد<sup>۱</sup>

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

### چکیده

صدور بیانیه گام دوم انقلاب نشان‌دهنده آغاز عصری جدید از حیات انقلاب اسلامی است که با طی کردن مراحلی مانند شکل‌گیری و تثبیت نظام در داخل و عرصه بین‌الملل، اکنون به گفتمان‌سازی و تصویرپردازی برای آینده انقلاب اسلامی رو آورده است. در واقع در آغاز دهه پنجم عمر انقلاب ضرورت داشت با تکیه بر تجارب به دست آمده، گفتمان تحول‌ساز انقلاب اسلامی بار دیگر در قالب یک منشور برای نسل جوان بازنمایی شود که تدوین و ابلاغ بیانیه گام دوم این مهم را به خوبی انجام داده است. تدبیر روش‌شناسانه در متن و ساختار این بیانیه نشان می‌دهد تدوین و نگارش آن دارای یک پیوستار منطقی و قاعده‌مند است که این سند را از سایر اسناد و متون سیاسی موجود متمایز می‌کند.

با در نظر گرفتن اهمیت این سند، پژوهش پیش‌رو در پی پاسخگویی به این پرسش است که آیا متن و ساختار بیانیه گام دوم از منظر اسناد راهبردی قابل تطبیق است؟ چه ویژگی‌های آینده‌نگارانه‌ای را می‌توان برای این سند بیان کرد؟ برای پاسخگویی به این پرسش‌ها با بهره‌گیری از روش‌شناسی آینده‌نگاری راهبردی سعی شده است ضمن تطبیق آن با روش‌شناسی آینده‌نگاری راهبردی، راهبردی بودن سند و وجه تمایز آن در مقایسه با سایر متون نشان داده شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تطبیق بیانیه گام دوم با متدولوژی اسناد راهبردی بیانگر آن است که از لحاظ ساختار و متن می‌توان برای بیانیه گام دوم ویژگی‌های شکلی، محتوایی و کارکردی متعددی یافت که این سند را هم‌راستا با اسناد راهبردی قرار می‌دهد. همچنین خوانش بیانیه با دید سند راهبردی علاوه بر فهم مناسب و سیستماتیک از آن، تأثیر بسزایی بر مخاطبان، تصمیم‌سازان و مجریان برای تحقق اهداف آن خواهد داشت.

### واژگان کلیدی

بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی، رهبر انقلاب، سند راهبردی، روش‌شناسی آینده‌نگاری

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش آینده‌پژوهی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد

متن نسبتاً مفصل بیانیه «گام دوم انقلاب» که رهبری انقلاب به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی منتشر کردند، از منظر ساختاری یک بیانیه و مانیفست تمام و کمال برای چهل سالگی انقلاب است که دو عنصر «افتخار به گذشته انقلاب و مسیر طی شده» و «امید به آینده» ارکان اصلی آن هستند. از طرف دیگر از نظر ماهیتی «بیانیه گام دوم» را باید در قالبی فراتر از یک «بیانیه» که فقط در پی توصیف گذشته و تحلیل نقاط قوت و ضعف جمهوری اسلامی است نگاه کرد. در واقع از این منظر بیانیه گام دوم را باید یک «سند راهبردی» برای ترسیم هدف‌گذاری‌های کلان انقلاب برای دهه‌های آینده در نظر گرفت. این سند راهبرد در مرحله اول متن خود با تحلیل مأموریت‌ها و رسالت‌های انقلاب اسلامی و تجارب به دست‌آمده طی چهل سال حکمرانی خود، به دنبال ترسیم افق چشم‌انداز آینده فراتر از فراز و نشیب‌ها، روزمرگی‌ها و تنگناهای پیش روی امروز جریان انقلاب است. در اهمیت متن بیانیه گام دوم که آن را برجسته و مستلزم تبیین و تفسیر و هم‌ردیف اسناد راهبردی می‌سازد می‌توان گفت که اولاً، بیانیه گام دوم انقلاب، که سرآغاز دوران جدیدی از عمر انقلاب اسلامی است، در مقطعی از سوی رهبری معظم انقلاب صادر شد که نظام سلطه طی چهل سال گذشته از انواع و اقسام دشمنی‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران فروگذار نکرده و با بهره‌گیری از ابزارهایی همانند جنگ‌های داخلی در اوایل انقلاب، تحمیل جنگی هشت ساله و تجهیز و تسلیح دشمن به مدرن‌ترین سلاح‌ها و تجهیزات نظامی، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، تحریم‌های سنگین و... همواره در پی زمین‌گیر کردن انقلاب و به بیراه کشاندن آن بوده است تا جایی که جان بولتون، مشاور معزول امنیت ملی دولت ترامپ، با اطمینان کامل از طراحی‌های گسترده علیه نظام جمهوری اسلامی پس از ناآرامی‌های دی ۹۶، در اظهاراتی مداخله‌جویانه و تعجب‌آور اظهار داشت که ایران چهلمین سال انقلاب خود را نباید ببیند. دوم، برخلاف سایر انقلاب‌های بزرگ که با رسیدن به چهل سالگی دچار نوعی استحاله در مبانی، اهداف و آرمان‌ها شده‌اند، صدور بیانیه گام دوم انقلاب در آغاز چهل سالگی انقلاب نشان داد به‌رغم همه فراز و نشیب‌های مسیر طی شده در چهل سال گذشته، مبانی، آرمان‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی خدشه‌ناپذیر است و مقید به زمان و مکان خاصی نیست و برخلاف دگرذیسی‌ها در نظریات علوم سیاسی، مبانی نظری «نظریه نظام انقلابی»



نشئت گرفته از انقلاب اسلامی، یک اصل مسلم و تغییرناپذیر در جمهوری اسلامی و در همه دوران‌هاست.

سوم، صدور بیانیه گام دوم انقلاب در برهه‌ای زمانی که عده‌ای از تحلیلگران و صاحب‌نظران دانشگاهی در داخل و اپوزیسیون‌های خارج‌نشین نظام طی دو، سه دهه گذشته همواره مباحثی درباره پایان دوران گفتمان‌های انقلابی مطرح می‌کنند، نشان داد نه تنها دوران آرمان‌گرایی انقلابی پایان نیافته، بلکه پیشرفت‌ها و دستاوردهای بزرگ جمهوری اسلامی ایران در چهل سال گذشته، مرهون و مدیون گفتمان انقلابی‌گری است.

چهارم، وجه حائز اهمیت دیگر این بیانیه محتوا و مضامین راهبردی موجود در متن آن است. در این بیانیه که می‌توان آن را بازنمایی منشور گفتمان انقلاب اسلامی در نقطه عطف چهل سالگی به شمار آورد، محورها، فرازاها و نکته‌های پرمغزی موج می‌زند و با تعمق و ژرف‌اندیشی در آن، این حقایق روشن‌تر می‌شود.

در مقاله پیش رو با مفروض گرفتن بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان «سندی راهبردی برای آینده انقلاب» در پی تبیین و تشریح ساختار متن بیانیه براساس اسناد آینده‌نگارانه راهبردی بر خواهیم آمد. در واقع در پی پاسخگویی به این پرسش خواهیم بود که آیا متن و ساختار بیانیه گام دوم انقلاب با اسناد آینده‌نگارانه راهبردی مطابقت دارد؟ با بهره‌گیری از متدلوژی اسناد آینده‌نگاری راهبردی با رجوع به اصل متن بیانیه گام دوم به این پرسش پاسخ داده شده است.

## تمهیدات و چارچوب نظری

### ۱. تصویرپردازی در آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهان بر این باورند ملتی که فاقد تصاویر آینده مطلوب برای خود باشد توسط ملت‌های دیگر به استثمار کشیده خواهد شد و فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر برای آینده آن ملت تصویرسازی خواهند کرد. اهمیت تصویر آینده به حدی است که آینده‌پژوهانی مانند جیمز دیتور و فرد پلاک مدعی هستند تصویر آینده سنگ بنای آینده‌پژوهی است و در صورتی که سازمان، ملت و تمدنی تصویری از آینده نداشته باشد، محکوم به شکست است (Dator, 2002: 10).

با وجود قابلیت‌ها و ظرفیت‌های عظیم فرهنگی و دینی که در فرهنگ ایرانی-اسلامی برای تصویرپردازی از آینده وجود دارد، از این امر غفلت شده است. از طرف دیگر علم و رشته



آینده‌پژوهی در کشوری همانند ایران نوپاست و بر اساس آزمون و خطا پیش می‌رود (پایا و برداران شرکاء، ۲۰۱۰: ۴۸۶) و توانسته است مطابق آرمان و ارزش‌های جامعه به خوبی برای آینده تصویرپردازی کند.

در این میان مراکز مطالعاتی، دانشگاه‌ها، اندیشکده‌ها و حتی رسانه‌های غربی در قالب فیلم و سینما از پیش‌تازان تصویرپردازی برای آینده بشریت در سطح جهانی بوده‌اند. تصویری که غربی‌ها از آینده مطلوب بشری ارائه می‌دهند به گونه‌ای طراحی می‌شود که تمدن غربی بر سایر تمدن‌ها غلبه می‌یابد (پورعزت، ۲۰۰۸: ۸۸۹) یا غرب پیروز میدان است یا مدیریت میدان را برعهده دارد و درصدد تفوق استراتژیک بر جهان است یا می‌خواهد برتری فلسفه سیاسی خود را به رخ جهانیان بکشانند (پورعزت، ۱۳۸۲: ۴۷). در حقیقت هدف اصلی آینده‌پژوهان ساختن آینده‌ای مطلوب بر اساس ارزش‌های جامعه است و این مهم نیازمند بهره‌گیری از بیشترین ابزارها و توانمندی‌های موجود است (پدرام و عیوضی، ۱۳۹۵: ۲). هدف برون‌تمدنی آینده‌پژوهی غربی، ایجاد جوامع عقیم در زمینه آینده‌اندیشی و تحمیل بی‌چون و چرای تصویرهای غربی از آینده بر سایر ملت‌هاست. این موارد همگی نشان از آن دارند که آینده‌پژوهی که در بستر اومانیسیم شکل گرفته یک دانش غربی و سکولار است. در ادبیات آینده‌پژوهی استعاره‌هایی چون «عقیم‌سازی ملت‌ها» موج می‌زند که نشان از همت غرب برای مصادره آینده جهان به نفع خود دارد. بهره‌برداران آینده‌پژوهی مرسوم (غربی) خود را تسلیم جهان‌بینی و اندیشه غرب می‌کنند و راه آنان را برای شکل بخشیدن به آینده می‌پیمایند (ماهنامه آینده‌پژوهی، بهمن ۹۲).

بنابراین بی‌جهت نخواهد بود رویارویی‌های فرهنگی آینده را صحنه تصویرسازی‌ها برای آینده بشریت بدانیم. بنا بر مباحثی که یادآوری شد، اهمیت آینده‌نگاری و چشم‌اندازسازی در بستر اندیشه انقلاب اسلامی بیشتر مشخص می‌شود، زیرا یکی از تفاوت‌های انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها در این است که انقلاب اسلامی ایران یک جریان گذرا و مقطعی نبوده و نیست، بلکه فرایندی از یک اندیشه غایت‌مندانه در پرتو یک چشم‌انداز الهی است (مطهری‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۲۸). به تعبیری «بزرگ‌ترین ویژگی این انقلاب در ساحت نظر و تفکر، اعتقاد آن به هماهنگی و ارتباط متعادل میان جهان ماوراءالطبیعه و طبیعت و در نتیجه اعتقاد به هماهنگی سازنده میان وحی الهی و عقل انسانی است» (باوند، ۱۳۸۹: ۴۶). با



این نگرش، چشم‌انداز انقلاب اسلامی را نمی‌توان به افق زمانی خاصی محدود کرد، زیرا انقلاب اسلامی پدیده‌ای مقطعی و برای امروز و فردا نیست، بلکه فرایندی مستمر و فزاینده است. از هر افق درازمدت دیگری است و اصولاً عمده‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی کاربردی با پشتوانه فکری و نظری است که جهان‌شمول و معطوف آینده است. با مفروض گرفتن اندیشه‌های غایت‌مدارانه انقلاب در دایره نظم الهی، رسالت انقلاب اسلامی زمینه‌سازی برای امری والا تر و عظیم‌تر یعنی برپایی حکومت صالحان و شایستگان در زمین خواهد بود که احیا و تمدن‌سازی نوین اسلامی هم بخشی از آن است.

## ۲. چشم‌اندازسازی در آینده‌نگاری راهبردی

گرچه نزد صاحب‌نظران علم آینده‌پژوهی تعاریفی متعدد از آینده‌نگاری ارائه شده است و نمی‌توان به تعریفی خاص در خصوص آینده‌نگاری بسنده کرد، اما رایج‌ترین تعاریف برای دستیابی به یک تعریف مورد اجماع را می‌توان تعاریف ریچارد اسلاتر و میشل گوده دانست. از دیدگاه اسلاتر، آینده‌نگاری راهبردی عبارت است از توانایی ایجاد و حفظ نگرش با کیفیت، سازگار و رو به جلو و کاربست بینش تولیدی در راه‌های مفید سازمانی (اسلاتر، ۲۰۰۲: ۳۸۵-۳۷۲). به باور میشل گوده، آینده‌نگاری راهبردی، نگاه بلندمدت، عمیق و گسترده است اگر مخاطره کنیم و درباره انسانیت تفکر کنیم و نگاه به آینده، حال را تحت تأثیر قرار می‌دهد (گوده، ۲۰۰۸). گاسپار آینده‌نگاری راهبردی را به عنوان یک دورنما، یک حالت نظام‌مند تفکر و مجموعه‌ای از فعالیت‌ها تعریف می‌کند که بر پایه فهم ویژگی‌ها، توانایی‌ها، الگوهای رفتار و فضا و وضعیت‌ها برای مانور در محیط اجتماعی استوار است. پشت این ادعا که «علوم گوناگون نشان می‌دهند آینده‌نگاری راهبردی مؤلفه‌ای مبنایی برای کمال فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی است یا حتی مؤلفه‌ای مبنایی برای سایر ابعاد تکامل انسان»، منطقی اساسی وجود دارد (گاسپار، ۲۰۱۵: ۴۲۶-۴۰۵). جوزف کوتز آینده‌نگاری راهبردی را فرایندی می‌داند که در آن یک فرد به درک کامل‌تر نیروهای شکل‌دهنده به آینده بلندمدت می‌پردازد که می‌توان آن را در فرمول‌بندی سیاست، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در نظر گرفت (ایجابی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۴).

گرچه روش‌های مختلفی برای چشم‌اندازسازی در آینده‌نگاری راهبردی همانند روش‌های



لاتام، کیگلی، لینگرن، و بند هولند، مارتا لیزی، مایلس و مونرو و... ارائه شده است (میرشاه ولایتی، ۱۳۸۸: ۹۵-۷۴) و برای هر یک از روش‌های چشم‌اندازسازی مراحل نیز در نظر گرفته شده است، اما به نظر می‌رسد برای ترسیم یک سند با ویژگی آینده‌نگارانه و از نوع راهبردی در مسائل کلان حکومتی، روش‌های چشم‌اندازسازی کیگلی و مارتا لیزی مطابقت بیشتری داشته باشند.

از نظر کیگلی چشم‌انداز، بیانیه‌ای برخاسته از ارزش‌های مشترک است که منبعث از باورهای اصلی است و موجب تمایز از اسناد دیگر می‌شود. در واقع در این روش، چشم‌انداز از سه مرحله عبور می‌کند. در مرحله اول ارزش‌ها به عنوان منبع ثبات، پایداری و هویت خواهی برشمرده و یادآوری می‌شوند. در دومی بر شناخت وضع موجود تمرکز می‌شود و در مرحله سوم، اهداف بلندمدتی تبیین می‌شود که یک سازمان یا کشور قصد تحقق آن اهداف روشن و مشخص را دارند (میرشاه ولایتی، ۱۳۸۸: ۹۵-۷۴).

در روش مارتا لیزی نیز یک سند راهبردی دارای ویژگی‌های به‌خصوصی است. در این روش در گام اول باید همه برهه‌های مهم یا همه فراز و فرودهای تاریخی کشور برای مخاطبان مشخص شود. در گام دوم ارزش‌های عمومی یک ملت برای تصویرسازی از جذاب‌ترین آینده تشریح می‌شود. گام سوم به تصویر کشاندن محیط است. در رابطه با چشم‌انداز ملی باید محیط ایده‌آلی ترسیم و تفاوت‌های محیط ایده‌آل با محیط کنونی نیز بیان شود. گام چهارم شکل بخشیدن به رفتارها و ظرفیت‌ها (یا برشمردن پیشران‌های کلیدی تغییرساز) است. با مقایسه آینده با وضع کنونی، رفتارها، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های لازم برای تحقق آینده مطلوب استخراج می‌شود. گام پنجم این است که تصویر آینده کشور صیقلی شود و باید روی تصویری که مد نظر است تمرکز کرد. در عین حال تصویر باید بازتاب‌دهنده هویت واقعی یک جامعه باشد و در روح و احساس آحاد مردم آن جامعه رسوخ کند. گام ششم همکاری و محقق کردن اهداف تصویر شده است. مارتا لیزی گام نهایی را این‌گونه توصیف می‌کند که چشم‌انداز به عنوان آینده جذاب برای ملت ترسیم تا زمینه‌های اجماع و وفاق ملی برای پیشبرد و دستیابی به این اهداف محقق شود (Lasley, 2004: 23-32). از لحاظ ماهیت، این روش مبتنی بر خبرگی است و فرد یا افراد صاحب‌نظر می‌توانند در ترسیم یک سند راهبردی که مبتنی بر نوعی چشم‌انداز بلندمدت باشد، نقش به‌خصوصی ایفا کنند. چنانچه بخواهیم یک مدل مفهومی



برای روش مارتا لیزی ترسیم کنیم و آن را مبنای تحلیل پژوهش خود قرار دهیم، می‌توانیم ساختار شکلی این روش را به صورت نمودار زیر نشان دهیم.



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش براساس روش مارتا لیزی

### ساختار بیانیه گام دوم انقلاب

سیری در بیانیه گام دوم انقلاب نشان می‌دهد که این بیانیه از یک سیر منطقی براساس متد آینده‌نگاری برخوردار است و می‌توان آن را با ساختار روش‌های آینده‌انگاران مختلف تطبیق داد. برای مثال در آینده‌نگاری راهبردی برای تدوین یک سند راهبردی الزاماتی در نظر گرفته می‌شود که این الزامات می‌تواند شامل بیان مأموریت، رسالت، دستاورد و ترسیم یا خلق چشم‌انداز برای آینده یک سازمان یا جامعه باشد (عیوضی و کیقبادی ۱۳۹۱: ۱۵۹-۱۳۳). تدبیر و تدقیق در بیانیه گام دوم انقلاب نشان می‌دهد گرچه این سند از حیث ویژگی‌ها، ساختار، محتوا و کارکردها خصوصیات یک سند راهبردی را دارد، از نظر ملزومات روش‌شناسی اسناد راهبردی نیز این بیانیه یک سند راهبردی به شمار می‌رود زیرا متن خود در مرحله اول، اهداف انقلاب اسلامی یا مأموریت آن را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ سپس در مرحله دوم رسالت انقلاب اسلامی را به مخاطبان خود که ملت ایران هستند یادآوری می‌کند تا در فراز و نشیب آینده انقلاب اسلامی با یادآوری آنچه در گذشته اتفاق افتاده و آنچه در آینده ممکن است



پیش روی انقلاب قرار گیرد به فراموشی سپرده نشود. بیانیه گام دوم در مرحله بعدی ضمن برشمردن دستاوردهایی که انقلاب طی چهل سال گذشته طی کرده، به کاستی‌ها و نقاط ضعف این چهل سال نیز اشاره دارد. سپس در مرحله بعد به ترسیم چشم‌انداز راهبردی برای انقلاب دست زده است که ابتدای آن بر چشم‌اندازی بلندمدت و افقی روشن برای انقلاب قرار دارد.

در ادامه با بهره‌گیری از روش مارتا لیزی برای انسجام پژوهش سعی شده است ساختار متن بیانیه گام دوم براساس این روش مورد بررسی قرار گیرد تا فهم بهتری از بیانیه به مخاطب برای راهبردی بودن این سند ارائه کند.

### ۱. ترسیم برهه‌های مهم یا فراز و فرودهای تاریخی کشور

براساس نظر مارتا لیزی، اولین مرحله در تدوین یک سند راهبردی در آینده‌نگاری، ترسیم برهه‌های مهم یا فراز و فرودهای تاریخی یک کشور است. ضرورت این مسئله بدان علت است که مخاطبان سند شناخت نسبی از جایگاه و وضعیت کشور در دوره‌های مختلف زمانی به دست آورند و به این درک نائل شوند که در یک چشم‌انداز بلندمدت چگونه و به چه میزان از مسیر تعریف‌شده را طی کرده‌اند؟ وضعیت جامعه و کشور آنها در حال حاضر چگونه است و برای رسیدن به آرمان ترسیم‌شده در آینده چه اقداماتی باید انجام دهند؟ از نظر اندی هاینز و پیتربیشاپ، تعدیل نگرش‌ها و توسعه انتظارات مثبت به جای توجه یک‌جانبه به علایم منفی از ابتدایی‌ترین مراحل آینده‌نگاری راهبردی به شمار می‌رود. از نظر آنها غیرممکن است بدون توسعه سطح مشخصی از نگرش مثبت، توانایی را برای ساخت آینده نهادینه کرد و ارائه یک تصویر باورپذیر از آینده تنها از طریق کاوش روندها و نشانگرهای مثبت و منفی در کنار یکدیگر امکان‌پذیر است (هاینز و بیشاپ، ۱۳۹۵: ۴۳-۴۲). بیانیه گام دوم انقلاب نیز با تشریح اوضاع و احوال نظام بین‌الملل در مقطع روی کار آمدن انقلاب اسلامی، به ترسیم موقعیت ایران در آن برهه زمانی می‌پردازد و این‌گونه اذعان می‌دارد: «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز





عصر جدیدی را اعلام نمود و...». یا در همین راستا برای نشان دادن فراز و فرودهای تاریخی کشور طی این چهار دهه و مسیر طی شده از انقلاب اسلامی متن بیانیه بر این نکته تأکید دارد که «برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت. اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند و...».

در ادبیات آینده‌نگاری، مقوله روندپژوهی از اهمیت بسزایی برخوردار است بدان علت که روندپژوهی الگویی ذهنی از روابط بین رویدادهاست که سمت و سوی آینده را نشان می‌دهد. روندپژوهی که ارتباط تنگاتنگی با پدیده‌های کیفی دارد، رابطه بین رویدادها و منطق تغییرات را بیان می‌کند. در واقع پایه و اساس طراحی و ساختن آینده مطلوب از طریق استنباط، توصیف، تحلیل و جهت‌دهی روندها امکان‌پذیر است (نظری زاده و میرشاه ولایتی، ۱۳۸۹: ۱۲۶-۱۱۰). بیانیه گام دوم انقلاب در بخش نخست خود از تکنیک روندپژوهی به خوبی بهره می‌گیرد و به همین دلیل برای نشان دادن فراز و فرودهای مهم تاریخی کشور در ترسیم شرایط کشور در برهه زمانی پدیدار شدن انقلاب اسلامی نیز مطالب به‌خصوصی اختصاص داده است: «انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه صفر آغاز شد؛ اولاً، همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه‌ و نه به زور شمشیر خود بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولت‌های غربی، و چه وضع به شدت نابسامان داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر. ثانیاً، هیچ تجربه پیشینی و راه طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت و...».

نتیجه ترسیم فراز و فرودهای تاریخی یا به عبارت دیگر، روندپژوهی صورت‌گرفته در مرحله اول، برون‌یابی روند اولیه یعنی شکل‌گیری انقلاب اسلامی است که پس از بیان اوضاع و احوال نظام بین‌الملل و تأثیر و بازتاب انقلاب اسلامی بر فروپاشی نظم دوقطبی و شکل‌گیری نظم جدید، در پرتو مفاهیم متعالی انقلاب، به تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» به عنوان پدیده برجسته جهان معاصر اشاره می‌کند. پرداختن به روندهای طی شده



در سیر زمانی چهل ساله عمر انقلاب نیز از جمله نکات مثبت بیانیه است. حتی بیانیه در گذشته چهل ساله انقلاب نیز متوقف نشده است و به روندهای فعلی و جاری کشور می‌پردازد که می‌توان از آنها به عنوان پیش‌رسان‌های آینده انقلاب در بیانیه نام برد که در بخش‌های آتی پژوهش به آنها خواهیم پرداخت. گرچه به فراخور موضوع، متن بیانیه در فرازهایی دیگر، مخاطبان را به جایگاه گذشته کشور و علل عقب‌ماندگی از قافله پیشرفت و توسعه جهانی ارجاع می‌دهد، اما برای تطبیق دادن بیانیه با اولین روش مارتا لیزی به همین میزان بسنده خواهیم کرد.

## ۲. تبیین و تشریح ارزش‌ها

تبیین و تشریح ارزش‌ها در چشم‌اندازسازی اسناد راهبردی جایگاهی ویژه دارد و معمولاً وجه اشتراک همه روش‌هایی که در خلق اسناد راهبردی و چشم‌اندازسازی می‌توان پیدا کرد، تأکید اکثریت روش‌ها بر تبیین و تشریح ارزش‌ها به عنوان مؤلفه مهم ثبات، پایداری و هویت خواهی است. در واقع بیان جهان‌بینی بنیادین یکی از عناصر اصلی در چشم‌اندازسازی است. جهان‌بینی بنیادین خود از ارزش‌های بنیادین و هدف بنیادین تشکیل شده است. در تعریفی ساده، ارزش‌های بنیادین موضوع اصلی و ماندگار سازمان هستند؛ مجموعه کوچکی از اصول راهنما که فارغ از زمان هستند و نیازی به برهان ندارند. ارزش‌های بنیادین، به شدت ثابت‌اند و خیلی کند و طی دوره‌های زمانی بلند، تغییر می‌کنند. ارزش‌های بنیادین، اساس باورهای ما درباره زندگی، خویشتن، آنهایی که پیرامون ما هستند، و استعدادهای نهفته انسانی ما و دیگران را بنا می‌نهند. ارزش‌ها و باورها، نگرش ما را شکل می‌دهند و رفتارمان را هدایت می‌کنند. رفتارهایی که از ما سر می‌زند، همان چیزهایی است که مردم اطراف ما می‌بینند و در راستای مهارت‌ها و کردار ماست (میرشاه ولایتی، ۱۳۸۸: ۳۶-۳۵). اهمیت پرداختن به ارزش‌ها در نگارش اسناد راهبردی بدان علت است که ارزش‌ها معیاری برای سنجش درستی مسیر حرکت هستند و در اسنادی راهبردی که به خلق چشم‌اندازهای ارزشی با دیده‌بانی ارزش‌ها خلق می‌شوند، به ظرفیت‌ها و بایستگی‌ها بیشتر نظر دارد. در واقع در ترکیب نوشتاری این اسناد (که دربرگیرنده خلق چشم‌اندازی برای آینده در متن خود هستند) به وفور عباراتی نظیر الهام‌بخش، پرفروغ، جایگاه رفیع، نهادینه‌سازی، رسالت، امیدبخشی،



فرهنگ برتر و... مشاهده می‌شود. ماحصل این اسناد بیانیه‌ها یا منشورهای آرمانی است که زیربنای تحول ساختاری و اجتماعی به شمار می‌رود. در حقیقت هدف عمده از ترسیم این چشم‌اندازها و سندهای راهبردی مفهوم‌سازی فرهنگی برای فرد، سازمان یا جامعه است (پدرام و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۷). یکی از پایه‌های تصویرسازی از آینده، تبیین و تشریح مناسب ارزش‌های جامعه مد نظر است و این ارزش‌های مشترک افراد جامعه را به وفاق جمعی برای رسیدن به یک هدف کلان ملی گرد هم می‌آورد.

بیانیه گام دوم انقلاب هم به طرز چشم‌گیری به تبیین و تشریح ارزش‌ها پرداخته است. تبیین و تشریح ارزش‌ها در بیانیه گام دوم انقلاب به گونه‌ای است که می‌توان آن را یک سند راهبردی برای بازنمایی مجدد شعارها و ارزش‌های اصیل انقلابی به شمار آورد. در نخستین فرازهای بیانیه می‌توان یادآوری شعارهایی را که انقلاب اسلامی بر آن بنا شده است، مشاهده کرد. از جمله شعارها و ارزش‌هایی که نویسنده بیانیه (رهبری معظم انقلاب) به صراحت بر آنها تأکید کرده‌اند شعارهای آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری است که ریشه در فطرت انسان‌ها دارد و در همه جوامع و در همه عصرها مورد اقبال است. در فراز دیگر، بیانیه ضمن آمادگی بر پذیرش و تصحیح خطاهای مسیر طی شده انقلاب تا کنون، بر فاصله نگرفتن از ارزش‌های انقلابی که با ایمان دینی مردم آمیخته است، تأکید دارد و دفاع ابدی از نظریه نظام انقلابی را یکی از ارزش‌های لایتغیر انقلاب اسلامی می‌داند.

تأکید بر دفاع از گفتمان مقاومت انقلابی که یکی از مشخصه‌های اصلی انقلاب اسلامی است، یکی دیگر از ارزش‌های مورد تأکید در بیانیه گام دوم انقلاب است. در واقع «صراحت و شجاعت و ایستادگی در برابر زورگویان و گردن‌کشان و دفاع از مظلومان و مستضعفان» از نظر بیانیه گام دوم انقلاب، مایه سربلندی ایران و هر ایرانی است. در فرازهای دیگر بیانیه ارزش‌ها و جایگاه آن در آینده انقلاب اسلامی نقشی پررنگ‌تر دارد. تأکید بر عنصر ایمان در جهت‌دهی به مناسبات انقلاب اسلامی چه در مراحل پیروزی انقلاب و چه پس از آن، برای طی مسیر چهل ساله پیموده‌شده، تأکید و اعتقاد به مدیریت جهادی و اصل سازنده «ما می‌توانیم»، استکبارستیزی، تلاش برای استقرار عدالت، افزایش معنویت و اخلاق و... از ارزش‌های دیگری است که در متن این سند راهبردی بارها بر آنها تأکید شده است و حتی



در مواردی سرفصل‌های مجزایی به خود اختصاص داده است. همچنین در سرفصل گام دوم و توصیه‌های آن برای آینده انقلاب از هفت توصیه اساسی که به جوانان به عنوان پیشران اصلی تغییر آینده دارد، شش مورد آن یعنی علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی دربرگیرنده مسائل ارزشی است. این امر نشان می‌دهد که عنصر جهان‌بینی اسلامی و ارزش‌های برخاسته از آن در نهضت انقلابی ملت ایران و تداوم آن و همچنین در ساخت آینده انقلاب و هدف غایی آن یعنی ایجاد تمدن نوین اسلامی نقشی اساسی دارد.

### ۳. به تصویر کشاندن محیط ایده‌آل و متفاوت از محیط کنونی

ترسیم محیط مطلوب یا سناریوی مطلوب یکی از اهداف اصلی به کارگیری روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی است. در واقع می‌توان گفت وجه تمایز روش‌های آینده‌پژوهی با سایر رشته‌ها در این است که اگر تلاش‌های علمی سایر رشته‌ها معطوف شناخت وضعیت فعلی است، تلاش میان‌رشته آینده‌پژوهی، علاوه بر آن، ترسیم سناریوی مطلوب و مورد دلخواه برای آینده است. بدون شک آینده متفاوت از زمان کنونی است و کشف نشانه‌های تغییر در آینده (پیشران) به ترسیم وضعیت مد نظر کمک بسیاری خواهد کرد. در پارادایم امروزین آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری، دیگر انتظار پیش‌بینی حوادث و رویدادها از این علم وجود ندارد، بلکه به تعبیر ادوارد کورنیش، هدف نهایی آینده‌پژوهی ساختن آینده بهتر است (Cornish, 2004: 889-891). در واقع طراحی و ساخت آینده مقدم بر پیش‌بینی آن است. از طرف دیگر به تعبیر ریچارد اسلاتر، محیطی که قرار است در آینده به تصویر کشیده شود الزاماً با زمان فعلی یکسان نیست. ممکن است این محیط مطلوب به تصویر کشیده‌شده برگرفته از ریشه‌های تمدنی یک ملت، اساطیر، باورها، اعتقادات و مذهب آن جامعه یا ملت باشد (Slaughter, 1996: 10). نگاهی به متن و ساختار بیانیه گام دوم انقلاب نشان می‌دهد محیط ترسیم‌شده آینده انقلاب اسلامی بسیار متمایز از محیط فعلی است و مسیر طی‌شده چهل ساله از عمر انقلاب تنها بخشی از یک ابررویداد مطلوب دست‌نیافته یا در حال تحقق است. وجه تمایز انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها همانند انقلاب فرانسه، اکتبر شوروی و هند، که رهبری معظم انقلاب در فرازهایی از بیانیه گام دوم انقلاب به آن اشاره کرده است،



باور و ایمان به آن هدف متعالی و عنصر معنوی در ذات انقلاب است که هیچ‌گاه اجازه نداده است آرمان‌های انقلاب که برگرفته از عامل مذهب و دارای پیوندی عمیق و ناگسستنی با اجتماع است، به فراموشی سپرده شود. در حقیقت طراحی عالمانه اهداف انقلاب و محدود نکردن آن به یک انقلاب ساختاری (تغییر رژیم) یا انقلاب اقتصادی، نقطه قوت انقلاب اسلامی است. وجود این قابلیت ذاتی در بطن حرکت انقلاب اسلامی، انقلاب را به یک رودخانه ساری و جاری تبدیل کرده که قابلیت هضم و پذیرش انواع تغییر و تحولات با حفظ اصول بنیادین خود برای دستیابی به هدفی متعالی‌تر را دارد.

حال این پرسش مطرح است که محیط ایده‌آل انقلاب اسلامی که متفاوت از محیط کنونی است در سند راهبردی گام دوم انقلاب به چه صورت ترسیم شده است؟ محیط ایده‌آل متفاوت آینده انقلاب اسلامی طبق متن بیانیه گام دوم، حراست از انقلاب و تلاش برای نزدیک شدن به آرمان بزرگ انقلاب که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، خواهد بود.

براساس اندیشه سیاسی رهبری انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مراحل چند برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی تعریف شده است. بر این اساس گام اول آن شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی بوده که در سال ۵۷ اتفاق افتاده است. این گام اساس و مبنای اصلی چه در بعد نظریه‌پردازی و چه در بعد عملی برای دستیابی به این هدف بلندمدت است.

گام دوم دستیابی به تمدن نوین اسلامی نظام‌سازی اسلامی است. این مرحله به مثابه نهادسازی و ساختارسازی برای هدف غایی است. در این گام می‌توان به تدوین قوانین اساسی و سایر قوانین لازم برای اداره امور طبق شریعت و مذهب اسلام، تأسیس نهادهای انقلابی درون ساختارها و... اشاره کرد.

مرحله سوم تأسیس تمدن نوین اسلامی دولت‌سازی اسلامی است. هدف این گام روی کار آمدن دولت‌هایی در تراز گفتمان انقلاب اسلامی است که گرچه انقلاب اسلامی تا کنون فراز و فرودهایی در این زمینه داشته است، اما تا رسیدن به دولت تراز مطلوب انقلاب که دال مرکزی آن گفتمان اصیل انقلاب باشد فاصله معناداری وجود دارد. دولت تراز انقلاب اسلامی یقیناً دولتی خواهد بود که دغدغه و تمام تلاش آن برای عملی‌سازی خواسته‌ها، بنیان‌ها و شعارهای انقلاب بدون تکیه بر نظریه‌های وارداتی است.



گام چهارم برای احداث تمدن نوین اسلامی امت‌سازی اسلامی است. هدف این گام با تکیه و اجرایی کردن بنیان‌های قرآنی، الگوسازی و مدل‌سازی برای سایر دولت‌های اسلامی است که قرآن آن را امت واحد نامیده است. بعد از طی این مراحل، خورشید گفتمانی تمدن نوین اسلامی بار دیگر طلوع خواهد کرد. بنابراین همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در این سند راهبردی محیط ایده‌آل آینده که متفاوت از محیط کنونی است و رهبری انقلاب در فرازی دیگر از سند به آن اذعان دارد، به خوبی ترسیم شده است.

#### ۴. شناسایی پیشران‌ها (شکل بخشیدن به رفتارها و ظرفیت‌ها)

در ادبیات آینده‌پژوهی روندها بر اساس این پیش‌فرض بنا شده‌اند که تغییرات آینده در جهان دارای پیوستگی تاریخی هستند و نشانه‌های تغییرات آینده را می‌توان در زمان حال شناسایی کرد. تعاریف متعددی از پیشران در ادبیات آینده‌پژوهی<sup>۱</sup> ارائه شده است. گوردون، نیروهای تغییری را که در پس یک روند وجود دارند و معمولاً عوامل پیش‌برنده تغییر به شمار می‌روند، پیشران تعریف کرده است (گوردون، ۱۳۹۲: ۱۸۲). در فرهنگ عبارات آینده‌پژوهی، پیشران اصطلاحی کلی تعریف شده است که برای اشاره به هر «نیروی تغییرساز» که باعث تحول، تأثیر و شکل دادن به آینده می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تغییر را ممکن است اشخاص، نهادها یا حتی شرایط ایجاد کنند (فرهنگ عبارات آینده‌پژوهی، ۲۰۱۲). همچنین نیروهای پیشران، عوامل، فرایندها، نیروها و عدم قطعیت‌هایی هستند که تغییرات را در محیط‌های مختلف اقتصادی، طبیعی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، فناورانه و غیره ایجاد می‌کنند و به پیش می‌رانند (دبیرخانه آینده‌نگاری ملی، ۱۳۹۵: ۹).

بیانیه گام دوم ضمن تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی و تشریح وضعیت فعلی، با به کار بردن تعبیری همانند «کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته در تجربه‌های گرانها...» که همه آنها محصول پیروزی انقلاب اسلامی و جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است، راه طی شده را فقط یک قطعه از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی می‌داند و برای دستیابی به اهداف غایی انقلاب پیشران‌های تغییرساز متعددی را برمی‌شمارد. در واقع یکی دیگر از نقاط قوت بیانیه گام دوم انقلاب که آن را جزو اسناد راهبردی می‌سازد، برشمردن پیشران‌هایی است که به آینده انقلاب اسلامی شکل می‌دهند و تصویر و آرمان بزرگ انقلاب را عملی می‌سازند.



گرچه یکی از اصلی‌ترین پیشران‌های سرنوشت‌ساز انقلاب اسلامی در همه مقاطع و در صحنه‌های مختلف در چهل سال گذشته «جوانان» بوده‌اند و امروز هم وظیفه تحقق بخشیدن به اهداف متعالی آینده انقلاب در چهل ساله دوم برعهده آنان گذاشته شده، کنکاش در متن بیانیه بیانگر وجود پیشران‌های متعدد دیگری است که بدون توجه و بهره‌گیری صحیح از آنها نمی‌توان به اهداف دست یافت. اگر طبق تعاریف ارائه‌شده در فرهنگ عبارات آینده‌پژوهی، مدلی از انواع پیشران‌ها به دست بیاوریم، می‌توانیم پیشران‌های موجود در سند را طبق جدول ۱ مشخص کنیم.

جدول ۱: پیشران‌های آینده‌ساز بیانیه گام دوم انقلاب (منبع: نگارنده)

حوزه اثرگذاری پیشران							
نام پیشران	سیاسی	اقتصادی	محیطی	فرهنگی	اجتماعی	اخلاقی/مذهبی	علمی/فناوری
نیروی انسانی جوان مستعد و مؤمن	P			P	P	P	
منابع طبیعی و ذخایر زیرزمینی		P	P				
علم و پژوهش / علم و فناوری		P		P	P		P
معنویت و اخلاق				P	P	P	
اقتصاد		P					P
عدالت و مبارزه با فساد	P	P		P	P	P	
استقلال و آزادی				P	P	P	
عزت ملی، روابط خارجی و...	P			P	P	P	
سبک زندگی	P			P	P	P	

تأمل در پیشران‌های یادشده در متن بیانیه گام دوم انقلاب حاوی چند نکته اساسی است: نخست، پیشران‌هایی که رهبری معظم انقلاب برای آینده‌سازی و دستیابی به آرمان بزرگ انقلاب یعنی تمدن نوین اسلامی برشمرده‌اند از جنس ماهیت شکل‌دهنده به خود انقلاب است. بنابر اعتقاد صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان، تز اصلی شکل‌دهنده به انقلاب اسلامی دارای ماهیت نرم بوده است. رهبری انقلاب که پرچم‌دار و طلایه‌دار گفتمان انقلاب اسلامی و مطمئن‌ترین مرجع برای تبیین و تفسیر اندیشه‌های حضرت امام (ره) هستند و با علم و آگاهی که برگرفته از پشتوانه قرآنی و فقهی نظریات ایشان است، بیشتر پیشران‌های تمدن‌ساز



آینده انقلاب را به لحاظ ماهیتی از جنس عوامل شکل‌دهنده انقلاب (با ماهیت نرم) قرار داده‌اند. دوم، گرچه شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی به ملزومات مادی و فناورانه هم نیاز دارد، اما مبناسازی‌های فرهنگی و اخلاقی و گفتمانی که پایه و اساس شکل‌گیری بینش تمدنی است، ضرورت بیشتری دارد. در واقع زیربنای تمدن‌سازی نوین اسلامی گفتمان‌سازی بر مبنای آموزه‌های دین مبین اسلام است و تا زمانی که زیربناهای مسئله به خوبی ساخته و پرداخته نشود و نرم‌افزار شکل‌دهنده به جهت‌گیری‌ها به سمت و سوی این حرکت عظیم و آرمان بزرگ فراهم نشود، ملزومات مادی و سخت‌افزاری نمی‌توانند کاربرد چندانی داشته باشند زیرا آرمان و چشم‌انداز انقلاب را نمی‌توان با مقیاس‌های کمی اندازه‌گیری کرد؛ چنان که دنیای غرب امروز مظاهر رشد و مبناهای مادی توسعه را به سرعت پیموده است، اما چون از لحاظ نرم‌افزاری زیربناهای فراهم نشده، همین مظاهر توسعه سبب بحران‌های متعددی شده است. به تعبیر ریچارد اسلاتر، اندیشه غرب معاصر بیش از اندازه و به شیوه‌ای افراطی به رویکردهای مادی‌گرایانه، علمی، فناورانه و خردگرایانه در عرصه زندگی وابسته شده است. او می‌گوید: «رویکرد سکولار فاقد توازن و تعادل و غیرکامل است». از نظر اسلاتر «غرب مدرن مالک فرهنگی به شدت صنعتی و مادی‌گرایانه است که تاریخ بشر را به نقطه بحرانی کشانده است. این فرهنگ استعداد تحقق مصایب را موجب شده است. پیدایش این شرایط نابهنجار، برآیند ذهن نامتوازن و شیوه نامتعادل زندگی ماست. به همین سبب، ایدئولوژی‌های حاکم بر آینده‌نگری می‌بایستی شیوه‌های اندیشه و ارزش‌های ما را تا فراسوی فرهنگ و قلمروهای ذهنی گسترش دهند، به ویژه اگر خواستار آن باشیم که به شیوه‌ای پیروزمندانه از این نقطه بحرانی گذر کنیم و فراتر از آن برویم» (اسلاتر، ۱۹۹۶: ۲۸). در جمع‌بندی پیشران‌ها به استناد جدول ۱، می‌توان گفت پیشران‌هایی که رهبری انقلاب برای آینده‌سازی در متن بیانیه گام دوم بر آنها تأکید کرده‌اند کلیدهای تغییر و تحول در یک جامعه اسلامی برای دستیابی به یک هدف متعالی (تمدن‌سازی) هستند. وجه متمایز و برجسته این پیشران‌ها در منظومه فکری رهبر انقلاب، واقع‌بینی آرمان‌گراانه است. این امر به معنی توجه به این پیشران‌ها با ملحوظ و مفروض قرار دادن و برشمردن نقاط قوت و ضعف فعلی کشور در هریک از آنهاست. برای مثال پیشران اقتصاد را وقتی در متن بیانیه مورد توجه قرار دهیم، رهبری معظم انقلاب علاوه بر شمردن ظرفیت‌ها و امکانات کشور برای جهش اقتصاد ایران در دهه‌های





آینده، نقاط ضعف و چالش‌های فعلی پیش روی اقتصاد را در سه مقوله ساختار معیوب اقتصادی، چالش‌های مدیریتی و عامل خارجی تحریم مورد توجه قرار داده‌اند. در واقع این ویژگی از نقاط قوت متن بیانیه گام دوم انقلاب است که با توجه هم‌زمانی به ظرفیت‌ها به چالش‌های هریک از پیشران‌ها به صورت دقیق و واقع‌بینانه پرداخته است که در کمتر سند راهبردی می‌توان آن را یافت.

## ۵. برجسته‌سازی تصویر آینده

یکی از ویژگی‌های اسناد راهبردی برجسته‌سازی و صیقل‌بخشی به تصویر و دورنمای ترسیم‌شده در متن آن اسناد است. به تعبیر مارتا لیزی، در این مرحله لازم است تصویر سازمان یا کشور صیقلی شود. باید روی تصویری تمرکز کرد که شایسته ستایش باشد. تصویر باید بازتاب‌دهنده هویت واقعی باشد و در روح و احساس آحاد جامعه رسوخ کند (Lasley, 2004). در واقع پس از اینکه فراز و فرودهای تاریخی یک کشور برای مخاطب به صورت خلاصه و جامع تبیین و تشریح شد (بیان اینکه جایگاه کشور در معادلات گذشته به چه صورت بوده و در شرایط فعلی در چه جایگاهی قرار دارد و اینکه نقطه مطلوب هدف‌گذاری برای آینده کجاست) و همچنین ارزش‌های شکل‌دهنده به روند حرکت یک ملت تشریح و پیشران‌های آینده‌ساز مشخص شد، باید محیط متفاوت و متمایز آینده برای مخاطب به خوبی تفسیر شود. این محیط برای مخاطب که در بیانیه گام دوم، ملت ایران در نسل فعلی و نسل‌های آینده هستند، باید به گونه‌ای برجسته و صیقل داده شود که زمینه نهادینگی آن در سطح جامعه فراهم آید و به عنوان یک آرمان بزرگ، همه شهروندان کشور در قبال آن احساس وظیفه و تکلیف کنند. تصویر آینده انقلاب و آرمان آن یعنی دستیابی به تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) برای ملت ایران بیگانه نیست. در فرهنگ سیاسی شیعی و آموزه‌های قرآنی به مؤمنان وعده صادق داده شده که سرانجام امر حکومت در زمین به دست صالحان و شایستگان خواهد افتاد. شاهد مثال‌های قرآنی متعددی را می‌توان برای این وعده صادق بیان کرد. یکی از این آیات آیه ۵ سوره قصص است که خداوند متعال می‌فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص/۵). مفسران در تفسیر این آیه آورده‌اند که شکی نیست هرگاه



اراده الهی بر تحقق امری تعلق گیرد، آن مسئله قطعاً عملی خواهد شد و هیچ مانعی نمی‌تواند سد راه آن گردد. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»: «همانا فرمان اوست که هرگاه چیزی را اراده کند که باشد، پس آن چیز خواهد بود و محقق خواهد شد» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۱۷). سایر آیات قرآنی را که چشم‌انداز آینده جامعه اسلامی و مهدوی را به مؤمنان نشان می‌دهند، می‌توان مشتمل بر آیاتی نظیر آیه ۵۵ سوره نور ((وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ))، آیه ۱۰۵ سوره انبیاء ((أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)) و سایر آیات مشابه دانست. گرچه وعده خداوند برای حاکم کردن صالحان یک وعده قطعی و تخلف‌ناپذیر است، اما زمینه‌سازی برای دستیابی به این امر برعهده مؤمنان گذاشته شده است.

برجسته‌سازی و صیقل‌بخشی به اسناد راهبردی به عواملی چند بستگی دارد. اولین عامل چگونگی ابلاغ سند و نحوه تجلیل از آن در همه سطوح و ساختار و بین مردم است. عامل دوم در برجسته‌سازی سند، برگزاری نشست‌های علمی و آکادمی برای بحث و تبادل نظر درباره تصویری از آینده است که در سند تجلی یافته است. (برگزاری همایش‌ها و بازخوانی سند و تصویر آینده گرچه یک ضرورت است، اما نباید تبدیل به اصل شود.) عامل سوم در برجسته‌سازی سند فرهنگ‌سازی توسط رسانه‌های جمعی است. پرداختن به سند در رسانه‌های جمعی علاوه بر ایجاد وفاق بین نخبگان به نهادینه‌سازی ادبیات سند کمک فراوانی خواهد کرد. همچنین تدوین و تصویب قوانین مورد نیاز برای هماهنگی دستگاه‌های حاکمیتی برای رسیدن به اهداف و حرکت سازمان‌ها به سمت و سوی آن یک ضرورت است. لاتام (۱۹۹۵) هم نحوه ابلاغ و تجلیل یک سند راهبردی را دارای اهمیت بسیار می‌داند و بر این باور است که نحوه و چگونگی ترویج فرهنگ یک سند راهبردی تأثیر بسزایی در اجرایی شدن و تحقق اهداف آن دارد. با در نظر گرفتن اهمیت این موضوع باید یادآوری کرد سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز علمی، رسانه‌های دیداری و شنیداری و همچنین شبکه‌های اجتماعی در بستر اینترنت که ظرفیت عظیمی در ترویج فرهنگ و نهادینه‌سازی یک سند راهبردی و قابل اجرایی کردن آن دارند، باید فهم مطالبات انقلاب در دهه پنجم و همچنین تصویرپردازی‌هایی را که در بیانیه گام دوم انقلاب برجسته شده است، در دستور کار خود قرار دهند.



## ۶. همکاری و محقق کردن اهداف تصویرشده

مارتا لیزی برای محقق شدن اهداف در یک سند با ویژگی‌های آینده‌نگارانه و راهبردی دو جنبه مهم را قابل تفکیک می‌داند: یکی بعد همکاری برای تحقق اهداف از نظر وی شخصی و دیگری، سازمانی (Lasley, 2004). در بعد شخصی، افراد باید به این موضوع بیندیشند که چه خدمتی می‌توانند برای تحقق اهداف عالی که در یک سند راهبردی به نگارش درآمده و آرمان‌های یک جامعه در آن تجلی پیدا کرده است، انجام دهند. زمانی این امر تحقق‌یافتنی است که سند و متن و همچنین آرمان‌های احصاشده در آن به صورت امری ایمانی و عرفی در همه سطوح رفتار فردی و ساختار سیاسی-اجتماعی یک ملت نهادینه شود. در واقع زمانی که آرمان‌های یک سند از بطن اعتقادات، هنجارها، باورها و آرمان‌های فرهنگی یک جامعه اقتباس شده باشد، می‌تواند به عنوان خواست عمومی یک ملت در همه سطوح جامعه نهادینه شود و افراد یک جامعه آماده هرگونه فداکاری برای تحقق آن اهداف متعالی خواهند شد.

بدون شک آرمان‌های سند راهبردی بیانیه گام دوم انقلاب از این امر مستثنی نیست و هر آنچه در متون بیانیه گام دوم انقلاب قابل مشاهده است، دارای پشتوانه‌های قرآنی و روایی مستحکمی است که نه فقط پیشران حرکت ملت ایران در گام دوم بلکه پیشران شکل دهنده به گام اول (پیروزی انقلاب اسلامی) نیز بوده است. در واقع روح جمعی حاکم بر متن بیانیه گام دوم انقلاب همان بازنمایی و بازاندیشی مفاهیم و گفتمان پیش‌برنده انقلاب اسلامی است که امروز با تجربه راه چهل ساله طی شده در اختیار نظام اسلامی قرار گرفته و با آسیب‌شناسی آن توسط رهبری معظم انقلاب بار دیگر آرمان‌های اصلی انقلاب به عنوان چراغ پیش روی حرکت انقلابی ملت ایران مطرح شده است. آرمان‌های متعالی و الهی انقلاب قبل و بعد از پیروزی انقلاب تا کنون به گونه‌ای بوده که ملت ایران در همه صحنه‌ها و میدان‌هایی که ضرورت داشته حاضر به جانفشانی کردن برای تحقق آن بوده‌اند. پیروزی انقلاب، پیش بردن جنگ تحمیلی، مقابله با جنگ اقتصادی نظام سلطه و گذر موفق از همه توطئه‌ها و دشمنی‌های آنها تنها چند شاهد مثال برای اثبات این مدعاست. بعد سازمانی مسئله ناظر به وظایف سازمان‌ها برای تحقق بخشیدن به اهداف ترسیم‌شده در یک سند راهبردی است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمن تثبیت جایگاه رهبری، وظایف و اختیارات ایشان نیز به وضوح مشخص شده است. در اصل ۱۱۰ قانون اساسی تعیین سیاست‌های



کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، از حوزه اختیارات رهبری قرار داده شده است. طبق اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران (مقننه، مجریه و قضاییه) با وجود مستقل بودن از یکدیگر، زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت، طبق اصول آینده این قانون اعمال و اداره می‌شوند. گرچه اصل ۶۰ قانون اساسی شبهه‌های مطرح‌شده درباره این اصل را برطرف می‌کند و اشعار می‌دارد که «اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذاشته شده، از طریق رئیس‌جمهور و وزراست» (صفار، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۱)، با وجود این، جایگاه قانونی رهبری در قانون اساسی به خوبی تبیین شده است و طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، بالاترین مقام رسمی کشور است. در عین حال رهبری انقلاب دارای یک جایگاه شرعی به‌خصوصی در جامعه مسلمان شیعی ایران هست که وی را نائب امام معصوم در عصر غیبت می‌دانند.

نکته درخور توجه در این میان آن است که همه فقهای شیعه از قرن دوم تا کنون بر وجوب اداره جامعه اسلامی توسط شخص فقیه جامع‌الشرایط تأکید و مخالفت با نظر ایشان را به علت علمیت و جامعیت نگاه ایشان در مسائل فقهی و حکومتی جایز ندانسته‌اند. آنچه از مجموع قریب به اتفاق نظرات فقیهان شیعه تا کنون به دست می‌آید این است که ولایت بر افتا (فتوا)، ولایت در قضا و فصل خصومت، نظارت بر جریان امور مسلمین نسبت به اجرای قوانین خدا و جلوگیری از انحرافات، امور حسبیه (اموری که از نظر شارع، مطلوب و از نظر زندگی اجتماعی ضروری و اجتناب‌ناپذیرند) و... در حوزه اختیارات ولی فقیه برشمرده شده است (کربلایی پازوکی، ۱۳۹۶: ۹۰-۵۰).

با وجود جایگاه قانونی و شرعی رهبری انقلاب، علاوه بر مردم، ساختار سیاسی حاکمیت نیز وظایف به‌خصوصی درباره اجرایی کردن فرامین و بیانات ایشان برعهده دارند. گرچه سند بیانیه گام دوم انقلاب به شرح وظایف و چگونگی کاربست و تحقق اهداف آن اشاره صریحی نکرده است، اما مخاطب اصلی بیانیه علاوه بر جوانان و عموم مردم، دستگاه‌های حاکمیتی نیز هستند و چون قانون اساسی وظایف دستگاه‌های حاکمیتی در خصوص تعیین سیاست‌های کلی نظام را مشخص کرده است، این نهادهای قوام‌یافته طبق قانون موظف‌اند سازکارهای اجرایی فرامین رهبری را طراحی و اجرا کنند.



## ۷. تبیین چشم‌انداز و سند راهبردی به عنوان آینده جذاب

از نظر مارتا لیزلی، ویژگی نهایی یک سند راهبردی این است که ضمن ایجاد همدلی و وفاق پیرامون آرمان‌های موجود و به نگارش درآمده، بتواند خود را به عنوان آینده جذاب یک سازمان یا یک جامعه نهادینه کند. در واقع پیش‌شرط یک سند راهبردی این خواهد بود که متن سند بتواند با غلبه بر چالش‌ها و مشکلات مقطعی پیش رو، در مقطع فعلی نویددهنده فردایی بهتر برای مردمان یک جامعه باشد. جستاری در متن بیانیه گام دوم انقلاب نشان می‌دهد ترویج حس امید، انگیزه‌بخشی به نسل جوان به عنوان مخاطب اصلی بیانیه و همچنین نگاه خوش‌بینانه و در عین حال واقع‌گرایانه از ویژگی‌های این سند راهبردی است. در منظومه فکری رهبری معظم انقلاب تحقق آینده مطلوب در پرتو نگاه واقع‌گرایانه و با امید و خوش‌بینی است که قابل دستیابی خواهد بود. این نوع نگاه در بیانیه گام دوم انقلاب نیز ساری و جاری است و در فراز گام دوم و سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی نیز بر آن صحنه گذاشته شده است. «اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومی‌دی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم.» در ادامه بیانیه رهبری معظم انقلاب ضمن اشاره به سیاست‌های تبلیغی و رسانه‌ای دشمن طی چهل سال گذشته بر این باور است که «جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشند و در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهند.» رهبری انقلاب راندن ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد جوانان می‌داند.

در عین حال برانگیختن و تهییج احساسات و عواطف مردم برای جذاب بودن سند برای یک ملت امری ضروری به نظر می‌رسد. در واقع یک سند راهبردی باید علاوه بر بسیج‌کنندگی افکار عمومی دارای ویژگی‌هایی همانند غرورآفرینی و اشتیاق‌برانگیزی، با داشتن واژگان هیجان‌آفرین و چالش‌برانگیز و قدرت انگیزش قوی و برانگیزاننده مشارکت همگانی و مشوق حرکت باشد (گرامی طیبی، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۰). می‌توان گفت سند راهبردی بیانیه گام دوم هم موجد همین ویژگی‌هاست و در بخش‌های عمده‌ای از متن بیانیه ایجاد حس غرورآفرینی و



هیجان و دعوت به حماسه آفرینی مشاهده می‌شود. برای مثال در فرازی از بیانیه رهبری معظم انقلاب تصریح کرده‌اند که «... دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید». یا در انتهای توصیه علم و دانش تصریح شده است «بپا خیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است ناکام سازید». ویژگی حماسی بیانیه گام دوم انقلاب در عین نگاه واقع‌بینانه و علمی آن به وضعیت فعلی و ترسیم آینده مطلوب می‌تواند این سند را به عنوان یک آینده جذاب برای نظام سیاسی مطرح کند و آن را هم‌ردیف اسناد راهبردی نماید.

### نتیجه‌گیری

در پژوهش پیش رو سعی شد به این پرسش پاسخ داده شود که اگر بیانیه گام دوم انقلاب را با ویژگی یک سند راهبردی تلقی کنیم آیا این سند قابلیت تطبیق با متدولوژی آینده‌نگاری راهبردی را دارد؟ از میان روش‌های تدوین اسناد راهبردی، روش مارتا لیزلی برای نگارش اسناد راهبردی و چشم‌اندازسازی انتخاب و سعی شد سند بیانیه گام دوم انقلاب بر اساس آن تطبیق داده شود. خوانش بیانیه گام دوم انقلاب طبق الگوی اسناد راهبردی علاوه بر آنکه در فهم و متن بیانیه مخاطبان و تصمیم‌سازان را یاری می‌رساند، در بردارنده دستاوردهایی است که آنها را تشریح خواهیم کرد.

۱. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بیانیه گام دوم انقلاب از حیث ویژگی‌های اسناد راهبردی دارای ویژگی‌هایی نظیر جامعیت در پرداختن به مسائل، با دیده‌بانی آینده انقلاب توسط صادرکننده آن و بیانگر ارزش‌ها و آرمان‌های یک جامعه است. در واقع می‌توان گفت از حیث این ویژگی‌ها سند راهبردی بیانیه گام دوم انقلاب توانسته است به خوبی این خصوصیت‌ها را در خود برای مخاطب به تصویر بکشد.

۲. یک سند راهبردی علاوه بر آنکه دارای پشتوانه‌های عقلانی و قانونی مستحکمی است، با بهره‌گیری از ویژگی‌هایی همانند غرور آفرینی و قدرت انگیزش قوی، مشارکت همگانی را برای دستیابی جامعه یا یک ملت را برای دستیابی به اهداف والای خود برمی‌انگیزاند. همان‌گونه که در متن پژوهش نیز تصریح شد، بیانیه گام دوم به لحاظ سبک نگارشی با



بهره‌گیری و ترکیب دو قوه عقلانیت و قدرت انگیزش توانسته است خود را هم‌ردیف اسناد راهبردی معتبر نشان دهد.

۳. از کارکردهای یک سند راهبردی می‌توان به استانداردسازی حرکت جمعی یک ملت، پیوند زدن حال و آینده آن، برجسته‌سازی آرمان‌های مشترک، وحدت‌بخشی و ایجاد انسجام، افزایش قدرت برخورد با مشکلات، الهام‌بخشی به ذی‌نفعان و معنابخشی و... اشاره کرد. تعمق در کارکردهای بیانیه گام دوم انقلاب و گفتمان حاکم بر آن بیانگر آن است که این بیانیه همه کارکردهای اسناد راهبردی را دارد و خوانش آن طبق اسناد آینده‌نگارانه راهبردی برای فهم متن بیانیه امری لازم است. هرچند تطبیق گفتمان بیانیه گام دوم انقلاب طبق کارکردهای اسناد راهبردی که به آن اشاره شد، ظرفیت پژوهش‌های مستقل دیگری را دارد، اما به طور اجمال باید یادآوری کرد در منظومه فکری رهبری معظم انقلاب و تعیین و ابلاغ سیاست‌های کلی نظام که در سال‌های رهبری ایشان تدوین شده است، ریشه‌های تفکر آینده‌نگاری راهبردی (طراحی و جهت‌دهی برای ساخت آینده مطلوب انقلاب) به وضوح مشاهده می‌شود.

۴. همان‌گونه که اشاره شد، در سند راهبردی بیانیه گام دوم انقلاب و سایر اسناد بالادستی که توسط رهبری انقلاب ابلاغ شده، تصویر آینده مطلوب برای نظام اسلامی (تمدن نوین اسلامی) به صراحت بیان شده است و حتی ایشان گام‌های دستیابی به تمدن نوین اسلامی را مشخص کرده‌اند. در این میان امری که نباید مورد غفلت واقع شود تدوین راهبردهایی برای دستیابی به افق به تصویر کشیده شده است. به نظر می‌رسد در سند چشم‌انداز آتی نظام ضمن برجسته‌سازی آینده مطلوب نظام اسلامی، تدوین راهبردها و مشخص کردن ایستگاه‌هایی راهبردی برای دستیابی به آن امری لازم و ضروری به شمار می‌رود.



## منابع فارسی

## - قرآن کریم.

- ایجابی، ابراهیم، محمدرحیم عیوضی، مسلم شیروانی ناغانی و ایمان رضایی (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی تعاریف متکثر از مفهوم میان‌رشته‌ای آینده‌نگاری راهبردی»، فصلنامه میان‌رشته‌ای دانش راهبردی، ش ۲۹.

- باوند، نعمت‌الله (۱۳۸۹)، درآمدی بر نظریه انقلاب اسلامی، کانون اندیشه جوان.

- بیانیه گام دوم انقلاب قابل دسترسی به نشانی اینترنتی <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

- پدرام، عبدالرحیم و همکاران (۱۳۸۸)، آینده‌پژوهی، مفاهیم، روش‌ها، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۲)، «تصویرپردازی از آینده، استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی»، سخن سمت، ش ۱۰.

- خبرگزاری تسنیم، [www.tasnimnews.com/fa/news/1396/04/12/1451987](http://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/04/12/1451987).

- دبیرخانه آینده‌نگاری ملی (۱۳۹۵)، فراروندهای جهانی: نیروهای پیشرانی که پیروزی فراروندهای جهانی را برعهده دارند، تهران: برنامه ملی آینده‌نگاری.

- صفار، محمدجواد (۱۳۸۳)، حقوق اساسی: آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات استادی.

- عیوضی، محمدرحیم و عبدالرحیم پدرام (۱۳۹۳)، «امکان‌پذیری و چگونگی تحقق آینده‌پژوهی اسلامی»، فصلنامه مشرق موعود، س ۸، ش ۲۹، بهار.

- عیوضی، محمدرحیم و علیرضا کیقبادی (۱۳۹۱)، «تبیین قلمرو راهبرد، مأموریت، رسالت، هدف و چشم‌انداز در آینده‌نگاری راهبردی»، فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی، س اول، ش ۳.

- قراتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، ج ۸، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

- کربلایی پازوکی، علی (۱۳۹۶)، ولایت فقیه؛ پیشینه، ادله و راهکارهای اعمال آن، تهران: دفتر نشر معارف.

- گرامی طیبی، محسن (۱۳۹۵)، «اهمیت و ویژگی‌های چشم‌انداز در آینده‌پژوهی»، ماهنامه نامه

آینده‌پژوهی، ش ۳۸.





- گوردون، آدام (۱۳۹۲)، فهم آینده، ترجمه طیبه واعظی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مطهری نژاد، سید مجید، محمدهادی همایون و سعید خزایی (۱۳۹۴)، «درآمدی بر آینده‌پژوهی فرهنگی-تمدنی انقلاب اسلامی در پرتو اندیشه حق‌مدار مهدویت»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دین و ارتباطات، زمستان.
- مونرو، مایلز (۱۳۸۵)، اصول و قدرت چشم‌انداز، ترجمه فرزانه میرشاه‌ولایتی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- میرشاه‌ولایتی، فرزانه (۱۳۸۸)، راهنمای عملی تدوین چشم‌انداز، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- میرشاه‌ولایتی، فرزانه و فرهاد نظری‌زاده (۱۳۸۹)، پویش محیطی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- نامه آینده‌پژوهی (۱۳۹۲)، ش ۵.
- هاینز، اندی و پیتر بیشاپ (۱۳۹۵)، تفکر درباره آینده: رهنمودهایی برای آینده‌نگاری راهبردی، ترجمه مهدی ذوالفقارزاده و همکاران، تهران: نشر دانشگاه امام صادق(ع).

#### منابع انگلیسی

- Cornish, Edward (2004), "Futuring: The Exploration of the Future", Bethesda, Maryland: World Future Society.
- Dator, J. A. (2002), Advancing Futures: Futures Studies in Higher Education, Greenwood Publishing Group 17(5), 405-426. doi:10.1108/FS-03-2015-0017.u8
- Gaspar, T. (2015), Strategia Sapiens—strategic Foresight in a New Perspective, Foresight, Glossary of Futures Studies Terms (2007), Retrieved June 30, 2012, from <http://www.audienceialogue.net/gloss-fut.html>
- Godet M. , Durance, P. (2008), La Prospective Stratégique, Pour les Entreprises et Les Territoires, Paris, Dunod, Collection « Topos ».
- Lasley, Martha, (2004), Courageous Visions, Discover Press.
- Latham, R. John (1995), "Visioning: The Concept, Trilogy, and

Process”, American Society for Quality, Quality Progress Journal.

- Lindgren, Mats & Hans Bandhold (2003) “Scenario Planning: The link between future and strategy”, Palgrave Macmillan Press.

- Paya, A, & Baradaran Shoraka,H.(2010), Futures Studies in Iran: Learning Through Trial and Error, Futures,42(5),484-495.doi:10.1016/j.Futures.2009.11.033.

- Pourezzat, Ali Asghar; Mollae, Abdolazim; Firouzabadi, Morteza (2008), “Building the Future: Undertaking Proactive Strategy for National Outlook”, Futures: The Journal of Policy, Planning and Futures Studies, Vol. 40, PP. 887-893.

- Slaughter, R. A. (1996), “The Knowledge Base of Futures Studies as an Evolving Process”, Futures, Vol. 28, No.9, b.

- Slaughter, R. A.(2002), “Futures Studies as an Intellectual and Applied Discipline”, American Behavioral Scientist 42 (3) 372–385.

